

جانانان اچ. ترنر

مسئله عواطف در جوامع

مترجم

محمدرضا حسنی



۱۳۹۷

مسئله عواطف در جوامع

نویسنده: جاناتان اچ. ترنر

مترجم: محمدرضا حسینی

با مقدمه نعمت‌الله فاضلی

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

آدرس: مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۹۶۴۷؛ تلفن: ۸۸۷۷۴۵۶۹۷۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲۲

آدرس: دفتر: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلفام، پلاک ۲۲۰۰۱۱۲؛ تلفن: ۸۸۶۶۵۷۲۸-۲۹؛ تلفکس: ۸۸۶۷۷۵۴۴-۴۵

www.elmifarhangi.ir

info@elmifarhangi.ir

www.farhangishop.com

فروشگاه مرکزی (ساده ایس): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلفام، پلاک ۲۲۰۰۱۱۲؛ تلفن: ۸۸۶۶۵۷۲۸-۲۹

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۴۰۰۷۸۶ و ۶۶۹۶۳۸۱۵-۱۶
فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام قراقرانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

فروشگاه سه: خیابان کارگرم سمال، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱



انتشارات علمی و فرهنگی

سرشناسه: ترنر، جاناتان اچ. ۱۹۴۲ - م. Turner, Jonathan

عنوان و نام پدیدآور: مسئله عواطف در جوامع / جاناتان اچ. ترنر؛ مترجم: محمدرضا حسینی

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: چهل و هشت، ۱۱۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۵۸۴-۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Problem of Emotions in Societies, 2016

یادداشت: کتاب حاضر با عنوان «جامعه‌شناسی احساسات (مسئله احساسات در جامعه)» توسط

انتشارات جامعه‌شناسان با همین مترجم در سال ۱۳۹۳ فیا گرفته است.

عنوان دیگر: جامعه‌شناسی احساسات (مسئله احساسات در جامعه).

موضوع: هیجان‌ها - جنبه‌های جامعه‌شناختی Emotions -- Sociological Aspects

موضوع: هیجان‌ها - جنبه‌های اجتماعی Emotions -- Social Aspects

شماره افزوده: حسینی، محمدرضا، ۱۳۶۳ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۴/ت ۱۰۳۳ HM

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۲۶۰۹

فهرست مطالب

مقدمه دکتر نعمت‌الله فاضلی	نه
مقدمه مترجم	سی و هفت
پیشگفتار	چهل و سه
مقدمه مؤلف	چهل و پنج

فصل اول: چرا انسان‌ها این قدر عاطفی‌اند؟	۱
ریشه عاطفی‌بودگی انسان	۲
دامنه عواطف بشری	۵
نتیجه‌گیری	۱۶
پرسش‌هایی برای بحث	۱۷

فصل دوم: سویه تاریک عواطف	۱۹
سرکوب به مثابه سازوکار دفاعی اصلی	۲۰
سرکوب چیست؟	۲۰
سازوکارهای دفاعی کدام‌اند؟	۲۰
راهبردهای تدافعی	۲۱
سازوکارهای دفاعی ثانویه	۲۳

۲۶.....	فرایندهای انتساب چگونه برد عواطف منفی را گسترش می دهند؟
۳۰.....	شرایط بنیادی برانگیختگی عاطفی
۳۳.....	هویت و برانگیختگی عاطفی
۳۸.....	خلاصه و نتیجه گیری
۳۹.....	پرسش هایی برای بحث

۴۱.....	فصل سوم: قشربندی عواطف
۴۳.....	سازمان جوامع
۴۳.....	حدهای نهادی و واحدهای صنفی
۵۱.....	نظام های قشربندی و واحدهای دسته ای
۵۴.....	سازماندهای برانگیختگی عواطف
۵۷.....	قشربندی عواطف
۶۲.....	انتظارات فزاینده و قشربندی عواطف
۶۷.....	نتیجه گیری
۶۹.....	سؤالاتی برای بحث

۷۱.....	فصل چهارم: تأثیر عواطف بر فرد و جامعه
۷۲.....	آسیب های رفتاری شخصی
۷۵.....	خشم جمعی و خطرات آن برای جوامع
۷۶.....	منابع خشم
۷۸.....	انتساب
۷۹.....	آمیزش نیروهای عاطفی مثبت و منفی
۸۱.....	سازمان انرژی عاطفی
۸۲.....	منابع و بسیج
۸۳.....	نمونه هایی از قدرت عواطف و کنش های جمعی
۸۳.....	عداوت و دشمنی
۸۵.....	خشونت دسته های تبهکار
۸۸.....	قتل عام
۹۰.....	جنگ
۹۲.....	تروریسم

۹۴.....	جنبش‌های اجتماعی.....
۹۵.....	انقلاب.....
۹۷.....	نتیجه‌گیری.....
۹۹.....	سؤالاتی برای بحث.....
۱۰۱.....	اصطلاحات.....
۱۰۵.....	منابع.....

www.ketab.ir

مقدمه دکتر نعمت‌الله فاضلی

انتشار کتاب «حاشیه‌ها» اثر دکتر نعمت‌الله فاضلی، که هم‌اکنون در دست شماست، فرصتی است تا موضوع احساسات و عواطف را در ایران از منظر جامعه‌شناسی بررسی کنیم. مطالعه این کتاب به ما می‌آورد تا عواطف را، که تا کنون آن را مقوله‌ای روانشناختی می‌دانستیم، از یک منظر کاملاً متفاوت و تا حدودی دور از ذهن مطالعه کرده و بشناسیم؛ یعنی نگاه جامعه‌شناسی. شاید نیازی به معرفی این کتاب نباشد، زیرا اکنون در دست دست‌نویس است و می‌توانیم آن را به زبان فارسی بخوانیم. بعد از مطالعه این کتاب، شاید مهم‌ترین سؤال یا پرسش پیش روی ما این باشد که آیا می‌توان از همین منظر جامعه‌شناسی احساسات و عواطف را در ایران تجزیه و تحلیل کرد؟ متأسفانه مطالعات جامعه‌شناسی عواطف هنوز در ایران قوام و دوام لازم را پیدا نکرده و در این زمینه به ابتدای راهیم. از این رو، زمینه برای ارائه بحثی دقیق، جامع و کامل فراهم نیست. با جایی که می‌دانم، این نخستین کتاب مستقل درباره جامعه‌شناسی عواطف به زبان فارسی است. وقتی مترجم محترم این کتاب از نگارنده دعوت کرد تا مقدمه‌ای بر آن بنویسم، به نظرم رسید تجزیه و تحلیلی از «ساختار احساسات» در ایران معاصر موضوع مناسبی باشد. شاید طرح این بحث کمک کند تا خوانندگان این کتاب بتوانند تا حدودی ارزش و ضرورت ارائه چشم‌اندازی جامعه‌شناختی از احساسات و عواطف را در ایران بشناسند.

کما بیش محققان و متفکران درباره تحول جامعه ایران از دوره قاجار تا کنون اجماع نظر دارند که نوعی گسست تاریخی در کلیت جامعه معاصر ما نسبت به دوره پیشامعاصر به وقوع پیوسته است (← دآوری اردکانی، ۱۳۹۰). شاید انقلاب مشروطه لحظه نمادینی برای این گسست تاریخی باشد. هر چند انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش) تنها لحظه‌ای نمادین است و در واقع باید گفت این گسست تاریخی دوران جنینی دارد که حداقل از سال‌های آغاز دوران قاجار شروع شد. یکی از تحولات بنیادین در این گسست تاریخی تحول در ساختار احساسات ایران معاصر است. یعنی آنچه پیش‌تر به جامعه ایرانی احساس می‌بود و انسجام و امکان یگانگی و یکپارچگی می‌بخشید به تدریج تدریجاً و تحول یافت و به نحوی جامعه را در ابعاد و جنبه‌های مختلف دچار شقاق و جدایی و گسست و چندگانگی کرد. ساختار احساسات^۱ مفهومی است که ریشه در روان‌شناسی ویلیامز^۲ و تحلیل نسبت میان هنرها، ادبیات و تحولات طبقه اجتماعی در بریتانیای معاصر به کار برد. ساختار احساسات عبارت است از مجموعه‌ای از وضعیت‌ها، الگوها که به نوعی تخیل یا ذهنیت جمعی ملت یا گروهی را شکل می‌دهد، به طوری که افراد آن ملت از نظر آرزوها، تخیلات، رؤیاها، انتظارات و رمزگان احساسی، یعنی اینکه چه چیزی برای آن‌ها لذت‌بخش یا خوشایند است و چه چیزی بر خلاف آن است، به نوعی احساس دست می‌یابند. به بیان دیگر، احساسی که در افراد یک گروه یا ملت می‌بینیم ظاهراً فردی است، اما از نوعی الگوی مشترک جمعی تبعیت می‌کند. برای توضیح تحول تاریخی در جامعه ایران براساس ساختار احساسات ویلیامز، می‌توان به احساس ما ایرانی‌ها درباره مقوله زیبایی اشاره کرد. می‌دانیم که زیبایی‌شناسی^۳ عبارت است از نوعی ادراک احساسی از پدیده‌ها، اشیاء از پدیده‌های مادی یا غیرمادی. بنابراین، آنچه زیبایی را شکل می‌دهد خود متن نیست، بلکه ادراک حسی ما تفسیرکنندگان از متن است که چیزی را زشت یا زیبا نشان می‌دهد. اومبرتو اکو^۴ (۱۳۹۴ الف، ۱۳۹۴ ب)، نشانه‌شناس

1. structure of feeling
2. Raymond Williams
3. aesthetic
4. Umberto Eco

ایتالیایی، در دو کتاب تاریخ زشتی و تاریخ زیبایی نشان می‌دهد که احساس ما در مورد امور تحت تأثیر تاریخی است که از سر گذرانده‌ایم. ساده‌ترین مثال تصاویری است که از زنان دوران قاجار، خصوصاً زنان دربار، در فضاهای مجازی منتشر شده است. وقتی زنان چاق و سبیل‌دار دربار قاجار را می‌بینیم، اولین واکنش ما این است که چقدر این زنان زشت و بدقیافه‌اند؛ خصوصاً وقتی در زیرنویس عکس‌ها می‌بینیم که سوغلی شاه هم از میان همین زنان بوده است. در اینجا، ما با نوعی حیرت روبه‌رو می‌شویم که چگونه مردان ایرانی این زنان را زیبا می‌دانستند. می‌خواهم با این مثال نشان دهم چگونه احساسات ما درباره زیبایی مجموعه رمزگانی است که به صورت ژنتیک فرهنگی شکل می‌گیرند و به نحوی در روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این رمزگان عواطف نسبی کنند. و در نتیجه آن ابژه زیبایی یا زشتی نیز دستخوش تغییر می‌شود.

در جامعه معاصر ایران نیز یکی از گسست‌های تاریخی ما گسست از رمزگان احساسی پیش‌معاصر در دوره معاصر است. نقاشی‌ها، هنرها و موسیقی‌ها به شیوه‌های متفاوت احساسات ما را در فرایند گسست تاریخی معاصر تغییر داده‌اند. حتی در دوره معاصر نیز شاهد تغییر در نظام رمزگان عاطفی و احساسی جامعه هستیم؛ یعنی می‌خواهم بگویم ساختار احساسات ما در دوران پیش‌معاصر و معاصر دائماً در حال نوعی انقلاب بوده است. از این رو، باید گفت احساسات از جمله شادی، غم، عشق، دوستی، نظایر این‌ها امری است که می‌توان آن را «برساخت اجتماعی و تاریخی» دانست. از این دیدگاه، اگر بخواهیم جامعه ایران را مطالعه کنیم، می‌توانیم انواع احساسات رایج را در جامعه معاصر توضیح دهیم. پیش از بررسی این نمونه‌شناسی از ساختارهای عواطف و احساسات، باید یادآوری کنم که تا امروز مطالعه عاطفی و تجربی کافی در این زمینه انجام نشده است. در نتیجه، نکاتی که بیان می‌شود حاصل تأملات، تجربیات و نظروری‌های شخصی است؛ به امید اینکه بتواند زمینه را برای جامعه‌شناسی عواطف و احساسات در ایران فراهم کند.

ابتدا لازم است تعریف خود را از احساسات، با توجه به رویکرد نظری که در اینجا ارائه شده، بیان کنم. همه اشکال احساسات (خشم، نفرت، کینه،

حسادت، عشق، دوست داشتن، غم و شادی) شکلی از تجربه انسانی است. منظورم از تجربه همان تلقی یا تعریفی است که ویلهلم دیلتای^۱ (۱۳۸۸) در کتاب مشهورش، *مقدمه‌ای بر علوم انسانی*، بیان می‌کند. تجربه یعنی معنا بخشیدن به اشیاء، رویدادها و همهٔ اموری که ما انسان‌ها با آن‌ها سروکار داریم. از این دیدگاه، همهٔ اشکال احساسات نوعی امر تفسیری و معناکاوانه است که ما در چارچوب زندگی اجتماعی و فردی خود، به طور پیوسته چیزها، اشیاء، رخدادها و امور را به مثابهٔ نوعی معنای خاص، که آن را خشم، نفرت، عشق، دوستی، غم یا شادی می‌نامیم، تلقی می‌کنیم. از این دیدگاه تفسیرگرایانه و تجربه‌محور، تجربهٔ احساسی محصول یا برساخت زندگی جمعی و گروهی ماست. از این روی می‌توانیم از الگوهای جمعی تجربهٔ عاطفی یا احساسی صحبت کنیم. هرچند مورگ گادامر^۲ از فیلسوفان برجستهٔ نظریهٔ تفسیرگرایی در کتاب *حقیقت و روش* به درستی استدلال می‌کند که همهٔ اشکال فهمیدن و تجربه کردن دیم زمینهٔ تاریخی و سنت‌هاست. به این صورت که ما معنایی که به اشیاء یا امور می‌دهیم در خلأ شکل نمی‌گیرد. ما در امتداد نوعی سنت، تاریخ و فرهنگ قرار داریم. در امور را ناخودآگاه یا خودآگاه در زمینهٔ سنت، تاریخ و فرهنگ همچون امری معنایی - احساسی یا به صورت شاد یا ناشاد معنا می‌کنیم. اگر با این رویکرد به احساسات نگاه کنیم، پرسشی که در برابر ما قرار می‌گیرد این است که انسان جامعهٔ ایرانی در دورهٔ معاصر، چه الگوهای جمعی از احساسات و عواطف را آفریده است؟ به بیان دیگر، تجربهٔ عاطفی ما چگونه بوده است؟

من تلاش می‌کنم این الگوها را توضیح دهم، اما قرار نیست اجازه دهید یادآوری کنم که به نظر من، جامعهٔ ایران، از نظر ساختار عاطفی - جامعه‌ای سرشار از عاطفه است. به همین دلیل، برخی از نظریه‌پردازان اجتماعی مانند تقی آزاد ارمکی بر این باورند که مدرنیتهٔ ایرانی یک نوع مدرنیتهٔ عاطفی است؛ به این معنا که ما در فرایند تجدد یا چیزی که من آن را امروزی شدن فرهنگ ایرانی (فاضلی، ۱۳۹۳) می‌نامم تأکید زیادی بر ساختارهای احساسی خود داشته‌ایم. این نگاه، یعنی توجه به جامعهٔ معاصر ایران به عنوان جامعه‌ای عاطفی، برگرفته از این دیدگاه است که ساختارهای جمعی مانند خانواده،

1. Wilhelm Dilthey

2. Hans-Georg Gadamer

دین و اسطوره‌ها در جامعه معاصر ایران همچنان بنیادی‌ترین و اصلی‌ترین صورت‌های نمادینی‌اند که تمامی رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های فردی و جمعی ما را تحت تأثیر قرار داده‌اند. طبق نظر برخی از اسطوره‌شناسان بزرگ ایرانی مانند جلال ستاری اسطوره‌ها همچنان اهمیت کلیدی در بینش، منش و کنش جمعی ایرانیان دارند؛ اسطوره‌هایی مانند اسطوره خیر و شر یا حتی اسطوره‌های جدید و مدرن شهری.

برخی دیگر از نظریه‌پردازان اجتماعی بر این باورند که جامعه ما نه تنها امروز، بلکه از دوران زرتشت به بعد جامعه‌ای خداپرست بوده است. مثلاً عماد انزوغ استدلال می‌کند که توحید و خداپرستی مؤلفه‌ای کلیدی است و هسته اصلی شخصیت ایرانی را در تمام طول تاریخ شکل داده و در دوره معاصر نیز از اهمیت خداپرستی به توجه به توحید و عبودیت کاسته نشده است. بنابراین، جامعه ایرانی در شرایط تحولات معاصر، از حیث ذخیره و انباشت انرژی عاطفی، نسبت به دوره پیرامون عصر قزاق‌نشینان چندانی نکرده است. این دیدگاه وجود دارد که وقوع انقلاب‌های متعدد در یک قرن گذشته در ایران تا حدودی ناشی گرفته از ساختار احساسات سرشار جامعه بوده است. از این رو، باید به موضوع عواطف و احساسات در جامعه ایران توجه کرد و به‌ایگاه عواطف و احساسات را در تحولاتی همچون انقلاب مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و شکل‌گیری انقلاب اسلامی و رشادتها و دلیری‌های هشت سال دفاع مقدس بازبینی و ارزیابی کرد، چراکه لازمه وقوع انقلاب در درجه نخست برانگیختگی عواطف و خیزش عاطفی به صورت جمعی و گروهی است؛ طوری که در عبادت‌نعامات اجتماعی و فقدان جوشش عاطفی و فقدان رویش خوشه‌های خرد در پی قرارگرفتن در مجاورت فیزیکی در اماکن عمومی، از جمله میدان‌ها و خیابان‌های شهر، کلاف انقلاب‌شانس چندانی برای باز شدن نخواهد داشت. لذا، وقوع انقلاب در قرن بیستم در ایران و ایستادگی در برابر تجاوز همه‌جانبه بیگانگان در هشت سال جنگ تحمیلی نشانه سرشاربودگی عاطفی ایرانیان است. نه تنها تحولات سیاسی که بخشی از آن‌ها را برشمردیم، تحولات اجتماعی و فرهنگی یا حتی تحولات اقتصادی نیز با موضوع عواطف در جامعه ایران ارتباط بسیار نزدیکی دارند. مثلاً تحولاتی که در شیوه زندگی مردم در یک قرن اخیر ایجاد شده است، و ما امروزه از آن با عنوان سبک زندگی شهری نام می‌بریم، ارتباط نزدیکی با مقوله عواطف و احساسات ایرانی دارد.